

حقوق جهانی یا جهان حقوقی

دکتر فرهاد پروین



چکیده

از آن جا که حقوق جزء لاینفک زندگی روزمره‌ی اجتماعی انسان‌هاست و با توجه به این که، به ظاهر، جهان به سوی هم‌گرایی و برداشته شدن مرزهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پیش می‌رود به نظر می‌آید که رؤیای وحدت حقوق نیز بتواند تحقق یابد و جامعه‌ی عمل پیوشد.

گسترش ارتباطات و نیز روند رو به افزایش کنوانسیون‌ها، پیمان‌ها و اتحادیه‌های بین‌المللی همه نشان از آن دارد که بتوان حقوق جهانی و یکسانی را برای همه‌ی کشورها در نظر گرفت. اما این که آیا روند یکسان‌سازی به طور عادلانه انجام خواهد شد و یا این که حقوق مربوط به صنعت برتر در جوامع پیشرفته‌ی صنعتی بر سایر حقوق تسلط خواهد یافت، همچنین آیا در این روند، ادیان به طور کلی و اسلام به طور خاص می‌توانند نقشی ایفا کنند و سؤالاتی دیگر از این قبیل مطالبی است که این مقاله سعی در پاسخ‌گویی به آنها دارد.

واژگان کلیدی

جهان حقوقی، حقوق بین‌الملل، حقوق اسلامی، عدالت

مقدمه

روزمره است. علم حقوق دیگر آن سادگی و روانی سابق را ندارد و روزه روز پیچیده‌تر و گسترده‌تر می‌شود. هم‌زمان با توسعه‌ی حقوق، ارتباطات نیز روزه روز گسترش می‌یابد. جابجائی اشخاص، اموال و سرمایه‌ها از یک نقطه‌ی دنیا به نقطه‌ای دیگر، روزه روز ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر می‌گردد. تجارت الکترونیک، آموزش الکترونیک، دولت الکترونیک و... هر روز

در دنیای فعلی، جهان به ۵ قاره تقسیم شده است و هر قاره شامل کشورهای بزرگ و کوچکی است که مردمی از اقوام، نژادها و ملیت‌های مختلف را دربردارد. حقوق به عنوان مجموعه‌ی مقرراتی الزام آور و حاکم بر روابط بین اشخاص با یکدیگر و بین اشخاص با دولت‌ها و دولت‌ها با یکدیگر، جزء لاینفک زندگی

بیش از پیش توسعه یافته و روابط عمومی، خصوصی، اداری و مالی و... را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

در نگاه اول به نظر می‌رسد که دنیا آن قدر کوچک و قابل دسترس خواهد بود که عبارت «دهکده‌ی جهانی» واقعاً مصداق عینی خواهد یافت. تنوع و تعدد حقوق‌ها مهم‌ترین عاملی است که مانع از تحقق دهکده‌ی جهانی بوده و سدی عظیم در برابر گسترش روابط فرهنگی، تجاری، اقتصادی و... در جهان است.

آیا می‌توان امید داشت که در آتی‌های نزدیک، و یا در درازمدت، اختلاف بین حقوق‌ها از میان برداشته شود و در همه‌ی زمینه‌ها، و یا در اکثر موضوعات، حقوق یکسانی بر سراسر دنیا حاکم شود؟ آیا روند یکسان‌سازی و یا هماهنگی بین حقوق‌ها به طور عادلانه‌ای طی خواهد شد؟ و یا این که فرهنگ و حقوق مربوط به صنعت برتر بر سایر فرهنگ‌ها و حقوق‌ها تسلط خواهد داشت؟ آیا در این روند، مذهب به طور کلی و اسلام به طور خاص می‌تواند نقش فعال، پویا و سازنده‌ای ایفا نماید؟ آیا روند جهانی شدن منجر به توسعه و باروری دستاوردهای دینی در زندگی روزمره می‌گردد یا اینکه در زیر سیطره‌ی

فرهنگ وابسته به تکنیک برتر، آموزه‌های دینی به تدریج کم رنگ شده و سرانجام محو خواهد شد؟

این مقاله سعی دارد سؤالات اساسی مذکور را به بحث گذارد و زمینه‌ی ارائه‌ی پیشنهادات علمی و عملی را از جانب صاحب‌نظران فراهم آورد. همان گونه که حضرت علی علیه السلام فرموده است:

«العالم بزمانه لاتتهجم علیه اللوابس»
«کسی که به زمان خود آگاه است دچار ناگواری‌ها نمی‌شود.»

حقوق جهانی

گسترش ارتباطات، روند رو به ازدیاد تشکیل کنوانسیون‌ها، پیمان‌ها و اتحادیه‌های بین‌المللی، نزدیک شدن مقررات کشورها به یکدیگر در برخی از زمینه‌ها و به ویژه هماهنگی موجود در حقوق کشورهای اتحادیه اروپا، مقررات تقریباً یکسان تجاری در کشورهایی که به سازمان تجارت جهانی «گات» پیوسته‌اند و نود و چند درصد از کشورهای جهان را تشکیل می‌دهد، تقویت روزافزون حقوق بین‌الملل بشر و سیطره‌ی رو به گسترش آن و... همه و همه این فکر را به ذهن می‌رساند که در آینده‌ای نه چندان دور،

مرزها کم رنگ شده، حاکمیت دولت‌ها تضعیف شده و حقوقی جهانی و یکسان بر همه‌ی کشورها و در همه‌ی زمینه‌ها مجری و معمول خواهد شد. در این صورت کدام حقوق جهانی می‌شود؟ و آیا حقوق اسلامی می‌تواند نقشی داشته باشد و از سهمی شایسته برخوردار گردد یا خیر؟

روشن می‌سازد.

همان طور که در علم جغرافیا، برای تسهیل در مطالعه‌ی آب و هوا و اوضاع و احوال جغرافیایی، کشورهای جهان به ۵ قاره تقسیم شده است، در علم حقوق نیز سعی شده است، کشورهایی که از حیث ساختار حقوقی با یکدیگر مشابه هستند در

یک نظام، خانواده یا سیستم حقوقی جای داده شوند. به این منظور باید معیار یا معیارهایی برای تقسیم بندی حقوقی جهان در نظر گرفته شود. پیشنهاد شده است که عناصر حقوقی یک کشور به عناصر پایدار و عناصر ناپایدار تقسیم بندی شود.^۱ عناصر پایدار، بخش‌هایی از حقوق یک کشور هستند، که بسیار دیر و به ندرت تغییر می‌یابند



و نقش اساسی و زیربنایی در حقوق یک کشور دارند و وقتی که دچار تغییر می‌گردند، این تغییر، همه‌ی بخش‌های حقوقی یک

بررسی مختصر نحوه‌ی تقسیم بندی جهان به خانواده‌ها با نظام‌های حقوقی، تا حدودی افق‌های پاسخ پرسش‌های فوق را

کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مقابل، عناصر ناپایدار، بخش‌هایی از حقوق یک کشور هستند که نقش زیربنایی در ساختار حقوقی کشور ندارند و معمولاً در حال تغییر و تحول هستند و تغییرات حاصله در آنها، باعث دگرگونی کامل حقوق کشور نمی‌شود. منطقی است که کشورهایی که از حیث عنصر پایدار حقوقی با هم مشابه هستند در یک خانواده یا نظام (سیستم) حقوقی جای داده شوند و مشابهت یا تفاوت کشورها در عناصر ناپایدار و تغییرپذیر حقوقی نمی‌تواند معیار مناسبی برای تقسیم بندی حقوقی جهان باشد. در اینکه چه عناصری از حقوق کشور باید عنصر پایدار به شمار آید اتفاق نظر وجود ندارد. اگر عامل اقتصاد ملاک و مبنا قرار گیرد، همچنان که سوسیالیست‌ها معتقد بودند، در جهان دو سیستم حقوقی بیشتر وجود ندارد، سیستم حقوقی سوسیالیستی و سیستم حقوقی غیرسوسیالیستی (سرمایه‌داری). چنانچه عامل تقسیم بندی مذهب باشد کشورهای مختلف به دو دسته‌ی متمایز از نظر حقوقی تقسیم می‌شوند، کشورهای با نظام حقوقی مذهبی و کشورهای با نظام حقوقی غیرمذهبی.

رنه داوید عنصر پایدار را مهمترین منبع حقوقی در کشورها قرار داده است. طبق تقسیم بندی او، دسته‌ای از کشورها هستند که در آنها «قانون» مهمترین منبع حقوقی است. این گروه از کشورها در نظام حقوقی رومن - ژرمن جای گرفته‌اند. در گروهی دیگر از کشورها، سوابق قضائی و «رای دادگاه» مهمترین منبع حقوقی است. این دسته از کشورها نظام حقوقی کامن لا را تشکیل می‌دهد.

در گروهی دیگر از کشورها، مهمترین منبع حقوقی، نه قانون مصوب مجلس و نه رای دادگاه بوده است بلکه مکتب سوسیالیسم مهمترین منبع حقوقی را تشکیل می‌داد که در زمانی که رنه داوید این تقسیم‌بندی را ارائه نمود کشورهای زیادی بودند که دارای «حقوق سوسیالیستی» محسوب می‌شدند (که با فروپاشی سوسیالیسم از ۱۹۸۵ به بعد) تعداد این گروه از کشورها بسیار تقلیل یافته است. در این دسته بندی، شاخه‌ی چهارمی تحت عنوان سایر نظام‌ها وجود دارد که در آن حقوق اسلامی، حقوق هندو، حقوق یهود، حقوق خاور دور، حقوق آفریقا و ماداگاسکار قرار دارد. گرچه بر این تقسیم بندی انتقادهایی وارد است. در واقع رنه

داوید دو خانواده حقوقی را مد نظر داشته است؛ سیستم‌های حقوقی رومن - ژرمن، کامن لا و سوسیالیستی، خانواده‌ی حقوقی کشورهای غربی را تشکیل می‌دهد و شاخه‌ی چهارم تقسیم بندی وی (سایر نظام‌ها) چیزی جز خانواده‌ی حقوقی کشورهای غیرغربی نیست که حقوق‌های متعدد و متفاوتی را دربردارد که از حیث عناصر پایدار با هم تفاوت کلی دارند و نمی‌تواند شاخه‌ی چهارم یک تقسیم‌بندی باشد که سرشاخه‌ی اول آن با یکدیگر دارای انسجام در نحوه‌ی طبقه بندی است. علی‌رغم این انتقادات، این تقسیم‌بندی عملی‌ترین نحوه‌ی مطالعه‌ی حقوق کشورها در حال حاضر است.

عناصر پایدار حقوقی، همچون زیربنا و اسکلت ساختمان است که اتاق‌ها (نهادهای و مفاهیم جزئی) براساس و در درون این چارچوب اساسی جای دارند. عناصر پایدار همچون ریشه‌های درختان هستند که با متفاوت بودن ریشه‌ها، بدیهی است که شاخ و برگ و میوه‌ها (عناصر ناپایدار حقوقی) متفاوت خواهد بود.

بنابر این علت متفاوت بودن حقوق‌ها، تفاوت آنها در عناصر پایداری است که نقش زیربنایی و ساختاری دارند. متفاوت

بودن عناصر پایدار حقوقی در کشورهای مختلف ناشی از علل فرهنگی، تاریخی، نژادی، سیاسی، ایدئولوژیکی، جغرافیایی، میزان توسعه یافتگی و عوامل بسیاری است که در واقع یکسان سازی حقوق‌ها در مواردی نیاز به یکسان سازی این عوامل دارد، در حالی که بسیاری از این عوامل از کنترل بشریت خارج است.

البته در کنار اختلافات ریشه‌ای بین حقوق کشورها، نقاط اشتراکی وجود دارد که باعث می‌شود، علی‌رغم وجود تفاوت در عناصر پایدار کشورهایی که در نظام‌های مختلف حقوقی هستند، اختلاف بین حقوق‌ها به نحو مؤثری کاهش یابد. این نقاط مشترک عبارت است از استفاده از عقل بشری (کم یا زیاد) در همه‌ی نظام‌های حقوقی (اعم از مذهبی یا غیرمذهبی)، مشترک بودن بسیاری از نیازهای بشری در همه‌ی حقوق‌ها و مشترک بودن نحوه‌ی رفع آنها (به ویژه در نیازهای مادی) و تأثیر و تأثر متقابل حقوق‌ها. مجموعه‌ی این عوامل باعث می‌شود که علی‌رغم تفاوت در عناصر پایدار حقوقی، کشورها در بسیاری از موارد، به لحاظ عناصر ناپایدار، دارای اشتراکات حقوقی باشند.

بنابراین به نظر می‌رسد که یکی شدن حقوق‌ها و حاکمیت جهانی بر همه‌ی کشور و در همه‌ی زمینه‌ها، آرمانی دور از واقعیت باشد. اما روز هماهنگی بین حقوق‌ها و روند کاهش اختلافات و تعارضات حقوقی بین کشورها، ممکن است و مقدور بوده و در حال اجراست. این کاهش اختلافات و حتی یکسانی بین حقوق در بخش‌های بازرگانی و مالی، سریع‌تر از بقیه‌ی بخش‌ها در حال تحقق است. سعی در هماهنگی بین حقوق‌ها و تلاش در راه کاستن از تفاوت‌های حقوقی بین کشورها، نه صرفاً یک آرمان بشری، بلکه یک ضرورت واقعی زندگی بین‌المللی است. اختلافات شدید بین حقوق کشورها سد راه روابط فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... بین کشورها است و آنها که به این ضرورت بی‌اعتنا باشند باید فشارها و ضررهای معنوی و مادی بسیاری را متحمل شوند.

حقوق اسلام در روند هماهنگی و کاهش بین اختلافات حقوقی کشورها و در انعقاد پیمان‌های بین‌المللی چه سهمی و چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟ گسترش وسایل ارتباط جمعی و به ویژه توسعه‌ی ارتباطات از راه رایانه، امکان تعامل علمی و امکان بروز قابلیت‌ها و عرضه‌ی

یافته‌های دینی را در عرصه‌ی جهانی فراهم آورده است. به نظر نمی‌رسد که در این روند، یک نوع خاص از حقوق بتواند حاکم مطلق بر تمامی جهان شود، حتی اگر این حقوق سرچشمه در کشورهای با قدرت برتر نظامی و صنعتی داشته باشد. زیرا تفاوت در عناصر پایدار مانع از حاکمیتی از این نوع است. اما حقوق‌های ویژه‌ای، چون حقوق اسلام، اگر وارد این میدان توسعه‌ی حقوق بین‌المللی و روند کاهش اختلافات و هماهنگی بین حقوق‌ها بشوند، قطعاً خواهند توانست جایگاهی برای خود به دست آورده و ایده‌ها و نظریاتی در خور توجه عرضه نمایند.

تفسیر نادرست از ایده‌ی جهان شمولی حقوق بشر باعث شده که عده‌ای تصور نمایند هرگونه طرز تفکر خاص و ویژه‌ی قومی یا مذهبی باید کنار گذاشته شود و همه از یک نوع حقوق تبعیت نمایند. این تفسیر با متن صریح اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر منافات دارد.

ماده ۱۸ این اعلامیه می‌گوید:

هر کس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی

اظهار عقیده و ایمان می‌باشد و نیز شامل تعلیمات به طور عمومی برخوردار باشد.

در ماده‌ی یک میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی قید شده است که :

کلیه ملل دارای حقوق خودمختاری هستند. به موجب حق مزبور، ملل وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین می‌کنند.

با توجه به این که از حدود پنج میلیارد نفر جمعیت جهان، نزدیک به یک میلیارد (۲۰ درصد) آن مسلمان هستند، قطعاً این عده می‌توانند نقشی سازنده در روند توسعه‌ی حقوق در جهان امروز و روند هماهنگی بین حقوق‌ها ایفا نمایند.

جهان حقوقی

جهان حقوقی به این معنی است که دنیا در روابط داخلی و بین‌المللی، سرشار از مقررات مختلف و متنوع است. مدت‌هاست که جهان از دوران جنگل و اعمال خود سرانه عبور کرده است. هر چند که تا نیل به آرمان‌ها و حاکمیت عدالت در روابط بین‌المللی، راه درازی باقی است، اما

نباید انصاف را از دست داد و نقش حقوق را در دنیای امروز، نادیده گرفت. این که آمریکا، به عنوان قدرت‌مندترین کشور جهان، در حمله و تجاوز به عراق، به دنبال پوشش حقوقی، گرچه ظاهری، است خود پیشرفتی عظیم در حقوق بین‌الملل است. این که رژیم اشغال‌گر قدس صراحتاً نمی‌گوید که اراده کرده است که همه‌ی فلسطینیان را قتل عام کند و با پوشش دفاع مشروع و حفظ اتباع و... اعمال تروریستی دولتی خود را توجیه می‌کند، پیشرفتی بزرگ در صحنه‌ی حقوق، نسبت به زمان سابق است.

علل و عوامل مختلفی باعث شده است که دولت‌ها، چه در روابط با اتباع خود و چه در روابط با بیگانگان و چه در روابط با سایر دولت‌ها، دیگر آن خودکامگی و قدرت سابق را در تحمیل یک جانبه‌ی اراده‌ی خود ندارند و بیش از پیش حکومت‌ها از دوران طلایی سابق خود در مورد سلطه‌ی بی‌چون و چرا بر اتباع و بیگانگان مقیم و در رابطه با سایر کشورها، فاصله می‌گیرند.

درست است که حقوق جهانی وجود ندارد، درست است که حقوقی یکپارچه، هماهنگ، یکنواخت و عادلانه بر سراسر

جهان حاکم نیست، اما نباید شک کرد که جهان حقوقی یک واقعیت غیرقابل انکار است. کنوانسیون‌ها، معاهدات، قطعنامه‌ها، پیمان‌های جهانی و... در زمینه‌های مختلف نظامی، تجاری، فرهنگی، آموزشی، غذایی و به ویژه در مباحث حقوق بشر، کشورها را احاطه کرده است. همه کس، حتی سلطه طلب‌ترین کشورها، با زبان حقوقی خواسته‌های خود را بر سایرین تحمیل می‌کنند. کشوری جرأت نمی‌کند که صراحتاً و بدون پوشش حقوقی اهداف و منافع خود را مطرح کند. در دریاچه‌ی خزر، کشوری که نفت کمتری در سواحل او وجود دارد از رژیم مشاع در این دریاچه دفاع می‌کند. به عنوان لزوم رعایت حقوق بشر، ایران و چین سمت فشار قرار دارند و به عنوان لزوم رعایت معاهدات منع کاربرد سلاح‌های شیمیایی و میکروبی، عراق در اشغال نیروهای متجاوز خارجی قرار می‌گیرد. این لزوم استفاده از حقوق بین‌الملل برای بیان سیاست‌های بین‌المللی، هرچند که در نگاه اول بسیار ناگوار و تأسف بار است، اما اگر واقع‌گرا باشیم و آن را نسبت به رفتار کشورها در گذشته بسنجیم، پیشرفتی بزرگ برای بشریت است. این که اعلام آمادگی عراق

برای همکاری با بازرسان سازمان ملل، چند ماهی تهاجم آمریکا را، که کمتر کسی در اهداف اقتصادی آمریکا تحت پوشش اهداف بشردوستانه شک دارد، به عقب می‌اندازد، کارآمدتر شدن هر چه بیشتر حقوق را نشان می‌دهد. درست است که تا حقوق جهانی و عادلانه راه درازی در پیش است، اما شک نباید کرد که جهان نسبت به گذشته حقوقی‌تر شده است و روزبه روز هم کارآیی حقوق در آن افزایش می‌یابد. در این روند، آنچه که اهمیت دارد وجود و ارائه‌ی قواعدی لازم‌الاجرا، شفاف و کارآمد برای تنظیم روابط بین افراد (حقوق خصوصی) و برای تنظیم روابط با دولت‌ها و دولت‌ها با یکدیگر (حقوق عمومی) است.



گسترش ارتباطات و توسعه‌ی وسایل ارتباط جمعی فرصت بسیار مناسبی را برای همه‌ی مکاتب و تئوریسین‌ها به ویژه صاحب نظران اسلامی و بزرگان دین اسلام فراهم آورده است که حقوق ویژه‌ی خود را به صورت شفاف و مدون و مشخص ارائه کنند. جهان از قواعد و حقوق‌های مختلف استقبال می‌کند. ممکن است که آن را به کار نیندد و یا از آن به شدت انتقاد کند، ولی هیچ شکی نیست که در زمان فعلی، بیش از هر دوره‌ی دیگر تاریخی، گوش‌ها و چشم‌های متعددی در اقصی نقاط دنیا برای شنیدن احکام اسلام و دیدن آن آماده‌اند. این آمادگی مشروط به رعایت دو نکته‌ی بسیار اساسی است و رعایت این دو نکته می‌تواند جای مناسبی برای حقوق اسلام در جهان حقوق باز کند و سهمی شایسته کسب نماید.

۱) ارائه‌ی قواعد منظم، شفاف، مدون، مستدل و خارج از تناقض، ابهام و فرعیات فراوان یکی از علل پیشرفت حقوق بین الملل لائیک، است. دنیای بیرون از اسلام از علمای اسلام ارائه‌ی حقوقی صریح، روشن و خارج از اجمال را می‌خواهد. برعکس آنچه که تصور می‌شود که اگر هر آنچه که در مذهب هست، به هر

نحو ممکن، با مقررات غیرمذهبی تطبیق داده شده و یکسان شود و باید چنین گفته می‌شود که مقررات مذهبی مثل حقوق غرب است تا اسلام دارای جاذبه باشد؛ اگر ۱۰۰ درصد حقوق با حقوق غرب یکی شود و افتخار شود که حقوق اسلام و غرب یکی است و دیگر اختلافی بین این دو وجود ندارد، آن روز، روز غروب و محو حقوق مذهبی است. زیرا وقتی که حقوق اسلام و غرب یکسان باشد دیگر نیازی به تحقیق و مطالعه در حقوق اسلام وجود ندارد و تحقیق در حقوقی که با حقوق دیگر یکسان و مشابه است، کاری عبث و بیهوده است.

دنیای امروز از تنوع و اختلاف و گوناگونی استقبال می‌کند و با علاقه در این تفاوت‌ها تحقیق و مطالعه می‌کند. به شرط این که اندیشه‌های متفاوت: روشن، مدون، اصیل، مستدل و خارج از انواع و اقسام اختلافات باشد. اگر این ابهام‌ها و اختلافات باقی بماند، وقتی که خود اصحاب مذهب دچار اختلاف شدید علمی باشند، بدیهی است که از ناظران بیرونی نباید توقع علاقمندی و یا اقتباس داشت. به نظر می‌رسد که در این مورد، علی‌رغم گذشت ۲۴ سال از زمان انقلاب اسلامی، آگاهی

اساسی، آنچنان که انتظار می‌رود به ویژه از جانب حوزه‌های علمیه، که پرچمدار مذهب در طی قرن‌های متوالی بوده‌اند، برداشته نشده است. اگر کسی سؤال کند که حقوق جزای اسلامی، حقوق سیاسی اسلام، نظام اقتصادی اسلام... با ذکر جزئیات چیست؟ نمی‌توان پاسخی صریح به او داد که لااقل بیش از ۹۰-۸۰ درصد از صاحب نظران و علمای کشور در آن متفق‌القول باشند. در چنین وضعیتی نباید از توده‌های مردم خارج از اسلام که به دریافت مقررات روشن، صریح و مدون عادت کرده‌اند انتظار داشت، آنچنان که شایسته حقوق مذهبی است، به آن توجه کنند. البته در هر زمان و هر مکان و با هر شرایطی، افرادی حق‌پذیر و فرهیخته وجود دارند و خواهند داشت که قابلیت‌ها و شایستگی مذهب و حقوق مذهبی را درک کنند و به آن گرایش داشته باشند. ولی معمولاً این عده اندکند و از اکثریت مردم در دنیای خارج از اسلام نباید بیش از حد ظرفیت عادی طلب توقع نمود.

۲) تطابق عمل با تئوری و اجرای بدون تبعیض :

برای این که ندای حقوق اسلام در دنیای فعلی شنیده شده و به عنوان حقوقی

ویژه، که وابسته به مذهب ۲۰ درصد از جمعیت جهان است، جایگاه شایسته‌ی خود را به دست آورد، یکسان بودن عمل با تئوری و اجرای غیرتبعیض‌آمیز آن را می‌طلبد. جاذبه‌ی یک ایدئولوژی در همین نکته است و آنچه که یک مکتب را دارای جاذبه می‌کند تطابق تئوری با عمل و اجرای بدون تبعیض است. یکی از رموز موفقیت پیامبران، بزرگ‌ترین آنها رسول اکرم (ﷺ) و مردان بزرگ تاریخ مثل امام خمینی (ره)، در رعایت همین نکته است که شکاف بزرگی بین قول و فعلشان وجود نداشت و تبعیض جایی در برنامه‌های فردی و جمعی آنها نداشته و ندارد. یک اندیشه، یک جهان بینی، هر چند که زیبا، گیرا و جامع باشد، هر چند که آرمانگرا، عادلانه و مردمی باشد، اما در عمل به وسیله‌ی داعیان آن، با آنچه که در تئوری بیان شده است، دارای تفاوت‌های بارز باشد نباید انتظار گسترش و جلب توده‌های عظیم مردمی را داشته باشد.

با رعایت دو شرط مذکور حقوق اسلام به عنوان حقوق ویژه‌ی بخشی از جهانیان می‌تواند احترام شایسته‌ی خود را کسب نماید. دبیر کل سازمان ملل «کوفی انان» در سخنرانی خود به مناسبت پنجاهمین

سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹
آذر ۱۳۷۶ در دانشگاه تهران گفته است:

هیچ نمونه‌ی واحدی برای دموکراسی
یا حقوق بشر، و یا نمادی فرهنگی
برای همه‌ی جهان وجود ندارد. اما
برای همه‌ی جهان، باید دموکراسی،
حقوق بشر و برخورداری از آزادی
فرهنگی وجود داشته باشد. اعلامیه‌ی
جهانی حقوق بشر تنوع و کثرت‌گرایی
جهانی را گرامی می‌دارد... تنوع‌گرایی

کمتر از حیثیت جهان انسانی نیست و
لازمه‌ی شرایط بشری است.^۲

پی‌نوشت‌ها

۱. ر. ک : رنه داوید، **نظامهای بزرگ حقوقی معاصر**، ترجمه‌ی حسین صفایی، محمد آشوری، عزت‌الله عراقی، چاپ اول، ۱۳۶۴، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی،
۲. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۸، پائیز ۱۳۷۶: متن سخنرانی کوفی انان، صفحات ۱۹۸ تا ۲۰۳.



شعبه‌ی پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی